

خواننده اسپیر ما نیست



چرا رسانه های بومی و محلی نتوانستند موفق باشند؟

حتما اگر مصداقی از برای پرششی که کردم بخواهم ، به سیل انبوهی از روزنامه ها و نشریات که روزانه یا هفتگی منتشرمی شوند اشاره

می شود. من نیز به دو نمونه مشخص اشاره می کنم تا پاسخ صریحی داده باشم که در این باره اشتباه می شود.

روزنامه خراسان با قدمتی ۷۰ ساله مهم‌ترین نشریه استان پهناورخراسان است. اهالی استان و مسئولان آن، به این روزنامه بیش از روزنامه های تهرانی – سراسری اهمیت می دهند. ۷۰ سال است که این روزنامه توانسته دخل و خرج کند و اخبار مهم استان را به مردم خود بدهد. حتی در این روزگار که تلگرام و شبکه های مجازی نفس روزنامه ها و نشریات را گرفته اند و سلیقه مردم را تنزل داده اند، باز روزنامه خراسان توانسته مهم‌ترین روزنامه منطقه خود باشد. دلیل آن چیست؟ پول زیاد؟ خیر. در مشهد آستان قدس برای رقابت با خراسان ، روزنامه قدس راه اندازی کرد تا نا و نفس این روزنامه را بگیرد اما موفق نشد. خراسان در این سال ها حتی توانسته با اتکا به آگهی ها و فروش خوب خود،روزنامه های دیگری را نیزمنتشر کند. خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و … می بینید؟ این یک نمونه موفق .

نمونه دوم روزنامه خیرجنوب است که بعد از خراسان دومین و مهم ترین روزنامه محلی است. چندباری که آن را دیدم بیش از ۵۰ صفحه بود. کدام روزنامه سراسری ما با این تعداد صفحه منتشر می شود؟ حتی همشهری نیز نه می تواند و نه جرئت آن را دارد یا این تعداد صفحات منتشر شود. می گویند در سال های نزدیک تر، حدود ۵۰ هزار نسخه در روز منتشر می شد. خیرجنوب نیز روزنامه ای است که حتی یک نسخه آن برگشت نمی خورد.

چرا؟ همه نیازهای مردم استان را در خود دارد. معتمد مردم است آنچه را که مردم می خواهند منتشر می کند. اما چرا روزنامه های دیگر محلی و بومی چنین موفقیت هایی را ندارند و نمی بینند؟ مهم ترین دلیل آن این است که به جای آنکه دست به زانوی خود بزنند و بلند شوند و راه بیفتند ، منتظر دولت هستند که دست آنها را بگیرد و بلند کند. تا بد نمی توان منتظر کسی ماند که دست آدمی را بگیرد و ما را بلند کند. شکی نیست که وقتی چنین نگرشی در جان و ضمیر ماست ، اتفاقی نمی افتد و ما همیشه نشسته ایم . آدم نشسته که پیشرفت نمی کند.آدم نشسته که نمی تواند قدمی از قدم بردارد. مگر خداوند نمی گوید از تو حرکت از من برکت. برکت یک روزنامه و رسانه در این است که چشمش را از کمک و اعانه های دولتی و غیر دولتی بگرد. روی پاهای خودش بایستد. طرح بریزد و ایده های جدید بدهد. نفس به نفس خواننده اش پیسی ببرد.

از نگاه من روزنامه یک موجود زنده است. مانند گل ، مانند درخت ، مانند فرزند خود. روز به روز باید تغییر را در آن ببینی، روزه روز باید برای قد کشیدن آن برنامه داشته باشی. ایده های خوانندگان را بگیری و بالا و پایین کنی و دست آخر بهترین راانتخاب کنی . شما مگر تلاش نمی کنی بهترین لباس را برای فرزند خود تهیه کنی؟ خب باید برای روزنامه هم لباس (یونیفرم) مناسب تهیه کرد تا چشم نواز و زیبا باشد .

عصر جدید، عصر بسته بندی است . کالایی معمولی را در بهترین حالت با یک بسته بندی جدید و شوبه شما عرضه می کنند. روزنامه را باید با بهترین بسته بندی موجود عرضه کرد. کاغذ درجه یک ، قطع مناسب و جدید. عکس خوب و اختصاصی، مطلب مهم و درجه یک. تحلیل مالی واقعی. عموم روزنامه های ما از این مسئله یا چیزی نمی دانند یا اگر می دانند خلاقیتی برای آن به خرج نمی دهند. ما این روزها در مطبوعات با بحران خلاقیت روبه رو هستیم .

خواننده اسپیر ما نیست که هرچه تولید و منتشر کردیم، بخرد. عصر رسانه های یک طرفه گذشته است.

خواننده امروز قدرت انتخاب دارد. ما از این غفلت کردیم. باید همیشه یکی از گزینه های روی میز خواننده باشیم اما زمانی که نه حرفی برای گفتن داریم و نه ایده ای برای خواننده خود، و فقط چشم به کمک های مالی و غیرمالی دولتی داریم و می خواهیم از رانت و پول کاغذ و … روزی خود را بگذرانیم ، نه تنها روی میز خوانندگان بلکه روی میز روزنامه فروش ها هم قرار نمی گیریم .

•**ماون سردبیر روزنامه سازندگی**🔴



فرهادی* محمود

موسسه گالوب گزارشی مبنی بر بررسی وضعیت خشنودی و خوشحالی در بین ۱۳۸ کشور منتشر کرده است که بنابه این گزارش، عراق نخستین کشور غمگین جهان معرفی شده است. بعد از عراق ، کشورهای ایران، مصر، یونان و سوریه به ترتیب ناخادترین کشورهای جهان معرفی شدند. هرچند می توان نقدهایی بر شیوه تحلیل گالوب مطرح کرد، اما شواهد عینی دیگری وجود دارد که براین وضعیت تلخ صحه می گذارد. این آمارا در کنار سالانه بیش از ۷۰ هزار پرونده نزاع و ۶۰۰ هزار درگیری گزارش شده، قرار دهید تا تصویر جامعه‌ای ناشاد و خشمگین برایتان ملموس تر شود. به طور معمول در چنین فضای رسانه های حاکمیتی باید امید را به جامعه پیمای فضای

رسانه

فروردین به خرداد رسید ، اما آرشیو مطبوعات هنوز به اصفهان نرسیده است ، چرا؟ کجا پول پیدا می شود تا این ساختمان – مرکز اسناد اصفهان – تعمیر شود و بتواند آرشیو را در خود جای دهد. به هر که می گویم ، می گوید پول نیست. فعلا منتظر هستیم تا منابع مالی تامین شود.

این منابع مالی از کجا قرار است تامین شود؟ مرکز اسناد و استناداری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی. بر این اساس ، تا کتون چندین جلسه با رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی تشکیل داده ام تا اعتباری برای انتقال و نگهداری آرشیو رسانه ها تخصیص دهند ، اما این اتفاق هنوز رخ نداده است. همچنین قرار است بازیدی از ساختمان مرکز اسناد داشته باشند تا مقدار اعتبار لازم ، برای مرمت و تعمیر ساختمان را تعیین کنند. چون قرار است این مرکز به محلی برای نگهداری آرشیو تبدیل شود و بخش ادارای اینجا نیز به ساختمانی در خیابان زینبیه منتقل شود.

چه مقدار اعتبار، برای این کار نیاز است؟ حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون اعتبار نیاز دارد. استاندار در این باره چه نظری دارد؟ همه نظرشان این است که چیزی که متعلق به این استان است، باید به اصفهان برگردد. هیچ کس این مسئله را در نمی کند، اما منوط به اینکه آرشیو در جای مطلوبی نگهداری شود. مادامی که این شرایط مهیا نشود، نظر همه این است که آرشیو در تهران و در شرایط استاندارد نگهداری شود.

تهران محدودیتی برای نگهداری این مجموعه ندارد؟

به هر حال در تهران هم محدودیت فضا وجود دارد اما چاره ای نیست. در شهرهایی مثل زاهدان و فارس به دلیل وجود فضا اسناد همانجا نگهداری می شود، اما در اصفهان تا کتون، فضایی درخور فراهم نشده است.

یعنی در اصفهان به این بزرگی جایی برای نگهداری آرشیو پیدا نمی شود؟

متأسفانه اصفهان با این جایگاه و شأن ملی و فراملی که دارد، هنوز نتوانسته این فضا را فراهم کند.

گندزدایی آرشیو رسانه ها اکنون در چه مرحله ای است؟

گندزدایی انجام شده و اسناد الان قابلیت استفاده دارد.

گفته می شد قرار است تمامی این مجموعه اسکن شود و روی سایت مرکز اسناد قرار بگیرد.

نقدی بر کارکرد رسانه ملی در رواج شادی گریاندن به جای خنداندن

غم‌گین جامعه را با شادی و نشاط جایگزین کنند. این مسئله به ویژه در ماه مبارک رمضان که ماه مهمانی خداست، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بانگ‌های گذرا به شبکه های عرب زبان در ماه مبارک رمضان به خوبی هویدا می شود که چگونه این شبکه‌ها بهترین و پانشاط ترین برنامه هایشان را برای این ماه مبارک پخش می‌کنند. این شبکه‌ها چندین ماه قبل از حلول ماه مبارک رمضان، با برنامه ریزی دقیق و حساب شده، نیازهای مخاطبان را در نظر می‌گیرند و به تناسب آنها به تولید یا خرید برنامه ها ، سریال ها و مسابقه های ورزشی و تلویزیونی سرگرم کننده دست می‌زنند. موضوعی که متأسفانه در سریال ها و برنامه های صدا و سیما می، فقدان آن به شدت احساس می‌شود. برای مثال ، سریال «رهامی‌نک» به عنوان یکی از سریال های مناسبی، معجزنی

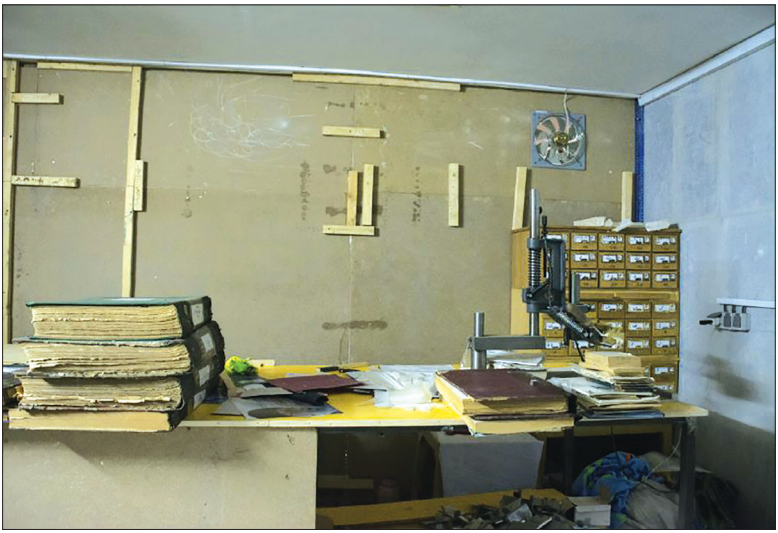
غم افزا از تجاوز، خیانت ، بی وفایی، حرص و طمع و سایر

خصایل یلید بشری را به مدت ۳۰ شب برای بیننده آماده می‌سازد. هرچند این سریال در زمان نگارش این مطلب هنوز به پایان نرسیده است، اما خوش ترین پایان ها هم نمی‌تواند این حجم از سیاهی و تلخی را از کام مخاطب بزداید. به راستی کدام مسئول پخش چنین سریالی را برای شب های ماه مبارک رمضان در پرریننده ترین ساعت آنتن تدارک دیده است؟ چه میزان بروی محتوای این سریال ، کار کارشناسی انجام شده است؟ شیوه برنامه سازی در سازمان صدا و سیما به ویژه در ماه مبارک رمضان ، به گونه ای بوده است که بازپخش سریال های طنزقدیمی مانند پایتخت مخاطبان بیشتری از این سریال ها به خود اختصاص داده اند و در جلب اعتماد مخاطبان مجددا موفق عمل کرده اند. این موضوع نشان

اصفهان زیبا

ناامید نمی شویم

مدیر مرکز اسناد اصفهان می‌گوید نبود اعتبار، مانع انتقال آرشیو رسانه ها به اصفهان است



سه ماه از موعد مقرر گذشته، اما هنوز درهای آرشیو رسانه های اصفهان باز نشده است. درحالی که به گفته متولیان این امر قرار بود، آرشیو مطبوعات در فروردین ماه به اصفهان - به ساختمان مرکز اسناد قطعی- منتقل شود. آرشیوی که نزدیک به دو سال پیش، به بهانه گندزدایی و نبود فضای مناسب، برای نگهداری از مرکز صائب ملی و کتابخانه های تهران منتقل شد و تا به الان همانجا مانده! مختار باقری، مدیر مرکز اسناد اصفهان، اما دلیل این تعویق ها و تاخیر را در یک جمله که «پول نیست» بیان می‌کند، به این معنا که تا موقعی که اعتبارات تامین نشود، آش همین خواهد بود و کاسه همین!



ملی مقیمی لایلا

سه ماه از موعد مقرر گذشته، اما هنوز درهای آرشیو رسانه های اصفهان باز نشده است. درحالی که به گفته متولیان این امر قرار بود، آرشیو مطبوعات در فروردین ماه به اصفهان - به ساختمان مرکز اسناد قطعی- منتقل شود. آرشیوی که نزدیک به دو سال پیش، به بهانه گندزدایی و نبود فضای مناسب، برای نگهداری از مرکز صائب ملی و کتابخانه های تهران منتقل شد و تا به الان همانجا مانده! مختار باقری، مدیر مرکز اسناد اصفهان، اما دلیل این تعویق ها و تاخیر را در یک جمله که «پول نیست» بیان می‌کند، به این معنا که تا موقعی که اعتبارات تامین نشود، آش همین خواهد بود و کاسه همین!

آرشیو مطبوعات اصفهان حدود دو سال پیش به تهران منتقل شد. آرشیوی که تعدادی از اسناد فارسی اش در دنیا دست نیافتنی است. گفته می شود بیش از پنج میلیون صفحه آرشیو مطبوعات شامل صفحاتی بی نظیر و کم نظیر از تاریخ مطبوعات معاصر ایران از دوره قاجار تا کتون در این مجموعه وجود دارد که نزدیک به ۹۰ درصد آن اهدایی است.

این اتفاق افتاد؟

این فرآیند در حال انجام است. حجم اسناد بسیار زیاد است و شاید یک سال تا یک سال و نیم دیگر زمان نیاز داشته باشد.

پس این بهانه هم ممکن است انتقال آرشیو را به تاخیر بیندازد؟

اگر فضا آماده باشد، آن بخشی که اسکن شده را می‌توانیم منتقل کنیم.

با این وضعیت که شمایی گوید، کم کم باید

می‌دهد مخاطبان دلشان نمی‌خواهد تلخی های دستچین شده روزانه شان را در قالب شعارهای پرطمطراق از قاب تلویزیون به تماشا بنشینند. وظیفه رسانه ملی، گویاندن شهروندان نیست، وظیفه رسانه ملی، شاید این است که برای چند لحظه بر لبان کارگرنی که کارشان را از دست داده اند، شهودندانی که با نرخ فراینده دلار اندک سرمایه هایشان در حال آب شدن است، کشاورزانی که با خشکسالی دست به گریباندن و چشم امید به یاری آسمان بسته‌اند، کارمندی که رسیدن پایان ماه را برای دریافت اندک حقوق انتظار می‌کشند و زنانی که به تنهایی بار زندگی یک خانواده را بر دوش می‌کشند. لیکنند بنشاند. گریاندن این افراد کار دشواری نیست اما متأسفانه صدا و سیمای ملی کار ساده‌تر را برگزیده است: گریاندن به جای خنداندن. . . . 🔴

سال چهاردهم، شماره ۲۲۲ چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۹۷

اصفهان زیبا

مدیر مرکز اسناد اصفهان می‌گوید نبود اعتبار، مانع انتقال آرشیو رسانه ها به اصفهان است

یکی از انتقادهایی که درباره انتقال آرشیو مطرح می‌شد، این بود که چرا گندزدایی در خود اصفهان انجام نشده است. چرا؟ در اصفهان هج کس این کار را انجام نمی‌دهد. برای مثال اکون، دانشگاه اصفهان درخواست کرده تا ماهنگی های لازم، برای انتقال منابعش به تهران را انجام بدهیم، گندزدایی کاری تخصصی است و فقط مرکز اسناد و کتابخانه های ملی از عهده آن، به خوبی برمی‌آیند.

این نقل و انتقال ها تیشه به ریشه مطبوعات اصفهان نمی‌زند؟

نه. اسناد با شرایط ویژه منتقل می‌شوند.

بگویند آخ‌گندزدایی بیهانه انتقال آرشیو به تهران بود یا نبود فضای نگهداری. این تناقض‌ها بعد از دو سال، هنوز ادامه دارد و حاشیه های زیادی درست کرده است.

هر دو، به هر حال آرشیو هم نیاز به گندزدایی داشت و هم در فضایی نامناسب نگهداری می‌شد.

ساختمان مرکز اسناد که قرار است، جایی شود برای نگهداری این مجموعه، استانداردهای کافی دارد؟

بله. مخزن استناداری برای نگهداری اسناد وجود دارد، باید در نظر داشت که در کشور فقط مرکز اسناد، متولی نگهداری این آرشیو است. بقیه نباید این کار را بکنند، چون کار آنها نیست و هم اسناد از بین می‌رود و هم هزینه های بیهوده روی دست خودشان می‌گنزدان.

این متولی در همه این سال ها کجا بود که حالا یکباره سرو کله اش پیدا شد؟

این را باید از آنها یکی که در این سال ها وظیفه نگهداری را به عهده داشتند، سوال کرد.

از شما می‌پرسم که مدیر این مرکز هستید و به گفته خودتان متولی نگهداری اسناد، چرا شما اقدام نکردید؟

من از سال ۹۴ به اینجا آمدم. شاید هیچ کس تلنگری بهشان نزود که اسناد و مطبوعات چه وضعیتی دارند و راه درست نگهداری آنها چیست.

راه درست چیست، اینکه به تهران منتقل شود؟ راهش این است که آنهایی که می‌خواهند، از این آرشیو استفاده کنند به سایت مرکز اسناد ب روند و نسخه اسکن شده را مدنظر قرار بدهند. اینطوری آمار بازدیدکنندگان هم بالا می‌رود، برخلاف مرکز صائب

که در روز شاید حدود دو سه نفر بازدید کننده بیشتر نداشت. 🔴

تبادل — تجربه

لزوم انتشار اخبار با اسناد و مدارک

وقتی خبرنگار به شلاق محکوم می‌شود

خبرنگاران همیشه از جایی خوب می‌خورند که تصورش را نمی‌کنند، دلیل آن هم این است که به قوانین و مدارک ما می‌رسند یا مطبوعات آشنای ندارند. یکی از مهم‌ترین جرائم خبرنگاران تهمت و افتراست. متأسفانه خبرنگارانی که تجربه زیادی در کار ندارند تصور می‌کنند وقتی از خبری مطلع می‌شوند باید به سرعت آن را منتشر کنند تا هم رسانه و هم خودشان را مطرح کنند.

این کار بسیار اشتباهی است چون اگر خبر موفق نباشد هم خود و هم مدیر مسئول رسانه به دردمر می‌افتد.

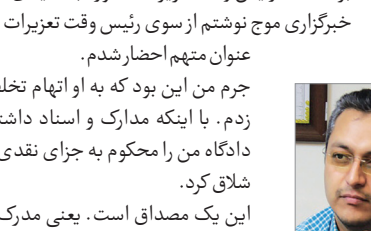
تصور تکنید قاضی کاری به شما ندارد، چون براساس قانون خبرنگار هم مسئول است و شاک می‌تواند از خبرنگار هم شکایت کند.

خبرنگاران تا وقتی اسناد و مدارک مستند در دست ندارند به هیچ عنوان اقدام از انتشار خبر و گزارش نکنند. نام فرد را به هیچ عنوان نباید در خبر بیاورید، چون جرمی از سوی دادگاه تأیید نشده و حکم نهایی نشده است.

حواستان باشد نهاد و سازمان فردی را متهم تکنید حتی اگر مدرک هم داشته باشید باید گزارش را طوری بنویسید



سید هادی کسنایی زاده*



خبرنگاران همیشه از جایی خوب می‌خورند که تصورش را نمی‌کنند، دلیل آن هم این است که به قوانین و مدارک ما می‌رسند یا مطبوعات آشنای ندارند. یکی از مهم‌ترین جرائم خبرنگاران تهمت و افتراست. متأسفانه خبرنگارانی که تجربه زیادی در کار ندارند تصور می‌کنند وقتی از خبری مطلع می‌شوند باید به سرعت آن را منتشر کنند تا هم رسانه و هم خودشان را مطرح کنند.

•**سردبیر روزنامه صدای اصلاحات**🔴

هفته ترامپ و FATF

ترامپ در برابر همه، در روزهای که گذشت به سبب تعطیلات، روزنامه ها منتشر نشدند، اما دو خبر اصلی در سرتیتر بسیاری از رسانه های مکتوب و مجازی ایران خودنمایی کرد.

خیرال در مورد عسکی بود که در حاشیه اجلاس جی ۷ (گروه کشورهای صنعتی جهان اول) منتشر شد.

این عکس به محض انتشار به سرتیتر خبرگزاری های معتبر راه یافت. عکس توسط جسکو دنزل ، عکاس خانم مرکل گرفته شده است و آلمانی ها به طرز هوشمندانه ای آن را منتشر کردند. عکس به خوبی نشان از شکاف عمیق بین آمریکا و سایر قدرت های جهانی دارد. گزارش ها و تفسیرهای منتشر شده نشان می‌دهد، او در اجلاس بارها از سوی رهبران دیگر مانند جاستین ترود و که در این عکس دیده نمی‌شود اما در حقیقت پشت سראقای ترامپ ایستاده)، انگلا مرکل (که در عکس گویی جلودار مخالفان شده) و تزا می (که سرش در گوشه چپ بالای عکس دیده می‌شود) تهدید به اتخاذ تصمیم های تلافی جویانه شد اما «دست به سینه» نشست و در حالی که جان بولتون (با سبیل متمایز از دیگران است و بالای سראقای ترامپ ایستاده) به یافشاری بر موضع خودش ادامه داد و گفت «دوران سواری گرفتن از آمریکا گشته» و اگر سایر کشورها می‌خواهند، همچنان در بازار آمریکا دکه و حجره گمرکی را که برای تولیدکنندگان آمریکایی ایجاد کرده اند حذف کنند تا بلکه به قول آقای ترامپ بشود اصلا «عاری از تعرفه» داد و ستد کرد.

مجلس و FATF: جلسه تصمیم گیری مجلس در مورد FATF به محلی برای جولان موقاف و مخالفان بدل شد. مخالفان، تصویب آن را خیانت و ماهنگی های لازم، برای انتقال منابعش به تهران را انجام بدهیم، گندزدایی کاری تخصصی است و فقط مرکز اسناد و کتابخانه های ملی از عهده آن، به خوبی برمی‌آیند.

نشریات نیز در بازتاب این جلسه مجلس ، سنگ تمام گذاشتند. اعتماد، تصویری از پهن کردن طومار در مجلس را با عنوان طومار بازی در صفحه اول خود جای داده است و به انتقاد از رفتار نمایندگان مخالف پرداخت. ایران، اما نام آن را جنجال طومارها در پارلمان گذاشت.

شرق اما در تیرتی که حمایت بیشتری از کونسیون بین المللی مقابله با تامین مالی تروریسم در خود جای داده است «دیپلماسی پشت سد طومار» را برای تیر انتخاب کرد.

کیهان نیز در مقابل تصویب این سند را باز کردن پای داعش به ایران دانسته است. جلسه مجلس با ناماع جواسش با مسکوت ماندن دو جمله این طرح به پایان رسید. امری که در روزهای بعد انتقاد روزنامه هایی مانند آفتاب یزد از «سکوت اکثریت مجلس در برابر اقلیت» را در برداشت. کیهان نیز در مقابل اقدام مجلس را مناسب ندانست و نوشت «اقدام حداقلی مجلس خطر FATF را دفع نمی‌کند». این جدال شاید تا دو ماه دیگر به تعویق بیفتد، اما حاشیه های آن همچنان ادامه خواهد داشت. / **گروه رسانه**🔴

موج — مجازی

وقتی نام یک شهر در فضای مجازی پیچید

در هفته ای که گذشت ، اگر چه اغلب روزنامه های مکتوب به حادثه تعرض در خمینی شهری تفاوت بودند ، اما کاربران فضای مجازی با دست به دست کردن تصاویر بهاره و اظهار نظرهای مختلف به تشریح این ماجرا رفتند.

انتشار اخبار مربوط به حادثه تعرض به بهاره ، دختر پنج ساله در فضای مجازی جریان سازی کرد تا نام خمینی شهر برسرزبان ها بیفتد. جریان سازی در این باره ، وقتی اوج گرفت که نماینده این شهر با انتشار نامه ای به رئیس سازمان بهزیستی خواستار برکناری رئیس اورژانس اجتماعی ایران شد ، چرا که از نظروی، اعلام خیرتجاوز به دخترک افغان از سوی این مسئول، اقدامی ناشاینه است. در همین راستا مردم این شهر نیز با انتشار نامه ای در فضای مجازی ، خود را سخنگوی شهرشان دانستند و ضمن ایراز همدردی با بهاره و خانواده اش از مسئولان خواستند تا دوری از خارج شدن از مدار انصاف و عدالت و دوری گزینند از فضای منتهب رسانه ای که می تواند مسیر حقیقت و عدالت را تحت تاثیر قرار دهد و باعث ایجاد تنش های محلی شود. از هرگونه اظهار نظر غیرمستند و عجولانه دوری گزیده و مسرانه و بیگیرانه در اרחاق حقوق بهاره عزیز تلاش کنند. / **گروه رسانه**🔴

افکار — عمومی

جای خالی دغدغه های اصفهانی در مطبوعات محلی

مهم ترین مطالبه اصفهانی ها از رسانه های بومی چیست؟

اصفهان زیباری پاسخ به این سوال در این هفته به سراغ فرهنگی ها رفته و مطالبات و انتظارات آنان را از رسانه های اصفهان جویا شده است. آن طور که باید قشر به اصفهان زیبا می گویند ، خالی بودن صدلی ریاست آموزش و پرورش استان مهم ترین دغدغه آنها و اولیای دانش آموزان است. موضوعی که از نظر آنها در هیچ کدام از رسانه های اصفهان اولیای این شهر و شاید بازناب نیافته است. حال سوال اساین است که ماهیت روزنامه های محلی چیست؟ اگر آنها به دغدغه های مردم اصفهان تیردازند، آیا در انجام ردا نشان کوتاهی نکرده اند؟ اصلا فلسفه تولد و ادامه کارشان بر چه اساس است؟ 🔴